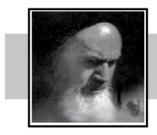

درمکتب امام

قدرت ایمان بر آنها غلبه کرد و غلبه می‌کند

آنها در طبس آمدند و گمان کردند که می‌توانند نیرو پیاده کنند و می‌توانند بیایند و به بهانه خارج کردن گروگان‌ها ایران را قبضه کنند و خدای تبارک و تعالی شن‌ها و بادها را فرستاد و آنها را شکست داد. اینها نمی‌توانند بفهمند و نخواهند توانست فهمید که سربازهای ایران از نظامی و پاسدار و سایر قوای مسلح با ایمان است که دارند پیش می‌روند. تمام قدرت‌ها یک طرف ایستادند و یک قدرت ایمان هم در مقابل آنها یک طرف و قدرت ایمان بر آنها غلبه کرد و غلبه می کند.

صحیفه امام؛ ج۱۶؛ ص۱۰۶ | جماران؛ ۲۴ اسفند ۱۳۶۰

به بهانه عربده‌های صلح‌نمایانه شبه‌روشنفکران

خزه‌هایی که به دیواره استخر انگلیسی‌ها چسبیده‌اند!

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«...زمانی که غرب مسلط به تکنولوژی و علم، خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم بکند، از راه روشنفکری وارد شد. از طریق عناصر خودفروخته‌ای مثل میرزا ملکم‌خان‌ها و تقی‌زاده‌ها اقدام کرد. جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد، بیمار و وابسته متولد شد. این جریان از ابتدا وابسته بود. بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند، مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملکم‌خان و امثال او...»

این جملات بخشی از بیانات رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای درباره جایگاه و عملکرد جریان روشنفکری در تاریخ این سرزمین است.

این همان روشنفکری است که شهید سید مرتضی آوینی اساساً آن را دارای هویت و اصالت ندانسته و به عنوان مقلد روشنفکری در غرب، «شبه‌روشنفکری‌اش» می‌خواند و مرحوم جلال آل‌احمد وابستگان به این جریان را «جز دلالان و دیلماجان (مترجمان) و بیگاری‌کنندگان پیش‌پاافتاده‌ترین نمادهای فرهنگ غرب» ندانسته است.

حالا پس از گذشت این یکی دو قرن همچنان شبه‌روشنفکری غرب‌زده، خودباخته و تحقیرشده از تجاوز بیگانه به خاک میهن دفاع کرده یا در مقابل آن، خودباختگی و تسلیم و سازش را ترویج و تبلیغ می‌کند. انگار نه انگار که بیش از ۴ ماه است آمریکا، این سرزمین را هدف تجاوزات نظامی خود قرار داده و ضمن تحمیل خرابی‌ها و ویرانی‌ها و خسارات بسیار، رهبر معظم و فرماندهان نظامی و کودکان و دانش‌آموزان و امدادگران و مردان و زنان بی‌گناه را به جنایتکارانه‌ترین صورت به شهادت رسانده است.

و حالا این جماعت شیفته و خودباخته، بی‌تفاوت در مقابل همه این جنایات هولناک و تکان‌دهنده، دم از صلح و تفاهم و توافق و استفاده از موقعیت و بذل و بخشش‌های کریمانه! اربابان‌شان می‌زنند تا به ظن خودشان، کشور را نجات دهند!

این جماعت درست مانند اسلاف خود در دوران تجاوزهای مکرر انگلیس به خاک ایران، همچنان دلباخته فرنگ و فرنگی‌ها مانده‌اند و خود را در مقابل آنها، قاذورانی بیش نمی‌بینند.

در همان زمانی که نیروهای انگلیس به بهانه هرات، جنوب سرزمین ما را مورد تجاوز خود قرار دادند و در بوشهر پرچم انگلیس را بر سر در عمارت حاکم بوشهر زدند، عده‌ای از همین جماعت مانند دریابیگی (حاکم دست‌نشانده بوشهر) آن را فقط یک عمل دوستانه اعلام کردند!

از کجا سر و کله این جماعت پیدا شد

روشنفکری یا انتلکتوئلیسم پدیده‌ای است که از اوایل دوران قاجار و همزمان با ورود نخستین فراماسون‌ها وارد فرهنگ ایران گردید و از همین‌روی به فرمایش امام شهید، «بیمار» زاده شد.

اما این جریان و پدیده بدون هیچ‌گونه سنخیت فرهنگی و عدم وجود تشابهات و پس‌زمینه‌های تاریخی مشترک، وارد ایران شد و به افرادی از این ملت تحمیل گردید که در طول ۲ تا ۳ قرن پیش از آن، ریشه‌ها، هویت و خاستگاه فرهنگی‌شان در هجوم میسیونرها، مستشرقین و مأموران کانون‌های صهیونی به این کشور از فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی تهی‌شده و آماده پذیرش فرهنگ و تفکر غرب صلیبی گردیده بودند.

ایران از جمله کشورهایی بود که فراماسون‌ها برای درهم شکستن هویت فرهنگی‌اش، تحت عنوان موج تجددخواهی آن را از اواخر دوران صفویه مورد هجوم و نفوذ فرهنگی قرار دادند. اما از اواسط عصر قاجاریه با گسترش روابط میان ایران و اروپا، حضور گسترده عناصر تشکیلات جهانی فراماسونری در کشور، پیشرفت‌های غربیان در زمینه‌های مختلف را به رخ تحصیلکردگان ایرانی کشاند و خود این محافل و انجمن‌های ماسونی یکی از مظاهر جالب و جذاب تمدن غرب نمایانده شد که بالطبع، بسیاری از محصلان و روشنفکران ایرانی را جذب خود کرد و آنان را تا به مرحله شیفتگی و گاه سرسپردگی غربی‌ها پیش برد. به این ترتیب نظام سرمایه‌داری غرب با مسخ برخی روشنفکران ایرانی آنان را به عناصری بسیار مطمئن برای تأمین منافع خود تبدیل نمود.

تشکیلات مخفی فراماسونری از زمان میرزا ملکم‌خان با کمک شاهزادگان و دانش‌آموختگان دین‌ستیز اروپا دیده، شروع به تبلیغ و ترویج غرب‌زدگی و بی‌دینی در جامعه ایران کرد. این تشکیلات با پیچیدگی و ماهیت پنهانکار و همراه با ایدئولوژی خاص مسیری را طی نمود و در عصر پهلوی دوم به جایی رسید که در تمامی ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نفوذ کرد.

دست استعمار در آستین این جماعت

افرادی مانند عسکرخان افشار و ابوالحسن‌خان ایلچی و میرزا ملکم‌خان و میرزا حسین‌خان سپهسالار (که هنوز در متون و مکتوبات شبه‌روشنفکران امروزی، نمادهای ترقی و قانون و پیشرفت محسوب شده و می‌شوند!) توسط امثال جیمز موریه و سر هارفورد جونز و سرگور اوزلی و... به عضویت تشکیلات فراماسونری درآمدند و از عوامل اصلی جداسازی بخش‌های مهمی از خاک ایران پس از جنگ‌های ایران و روس و تحمیل قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای شدند.

اما طرح و برنامه تربیت شبه‌روشنفکران فراماسون برای آینده ایران از زمان قاجار ریخته شد. از مدرسه علوم سیاسی که پایه‌اش از دوران میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله نهاده شد و برنامه‌اش توسط اعضای لژ بیداری ایران مانند اردشیر ریپورتر، محمدعلی فروغی، حسن پیرنیا و... طراحی و هدایت گردید. احمد خان ملک ساسانی از شاگردان همین مدرسه در خاطراتش از درس‌های محمدعلی فروغی نقل کرده است که به آنها القاء می‌نمود:

«... بدانید ایران شما مثل آستین بی‌حرکت است که تا دست دولت انگلیس در آن نباشد، ممکن نیست تکان بخورد...»

یا از درس تشریح ولی‌الله نصر یاد نموده است که:

«...در سر درس فرمودند: ما مثل خزه‌ای هستیم که به دیوار استخر چسبیده باشد و دولت انگلیس به منزله آن دیوار است که اگر نباشد، خزه وجود خارجی ندارد...»

از شاگردان همین مدرسه کارگزاران سیاسی رژیم پهلوی و سپس شبه‌روشنفکرانی بیرون آمدند که ردپای اخلاف‌شان تا همین امروز در مراکز مختلف سیاسی و فرهنگی کشور به چشم می‌خورد.

شیفتگی و عشق شدید به اسرائیل

طرفه آنکه از زمان اعلام موجودیت رژیم جعلی اسرائیل هم هیچ‌گاه علاقه و دلبستگی خود به این رژیم را پنهان نکردند. کافی است مروری به خاطرات مئیر عزری (نخستین سفیر رژیم صهیونیستی در ایران) بیندازید تا لیست بلندبالایی از این افراد را مشاهده نمایید!

از سعید نفیسی که اشعار بسیار عاشقانه‌اش درباره اسرائیل، حکایت از علائق صهیونیستی‌اش داشت و حتی آنچنان که در اسناد ساواک آمده است، کتاب‌های خطی و ارزشمند کتابخانه مجلس را به سرقت برد و به اسرائیل انتقال داد تا امثال داریوش آشوری که علی‌رغم همه سرسپردگی‌ها و خدماتش به خاندان پهلوی اما تا آخر عمر در برخی نهادهای فرهنگی کشور ما از وی پذیرایی کردند! داریوش آشوری که همراه گروهی از شبه‌روشنفکران مطبوعات در دهه ۱۳۴۰ به اسرائیل دعوت شده بود، پس از بازگشت، شروع به نگارش مطالبی در دفاع از رژیم صهیونیستی نمود، پس از جنگ شش‌روزه ژوئن ۱۹۶۷ هم که اسرائیل بخش‌های دیگری را از خاک فلسطین را ضمیمه خود کرد، مجموعه مقالاتی با عنوان «هشیاری تاریخی» نوشت و (مثل خلف‌های امروزش) به نکوهش فلسطینیان در جنگ با اسرائیل پرداخت.

همیشه در سمت خیانت‌بار تاریخ ایستادند

بی‌جهت نیست که اصلاً روشنفکری در این دیار با ورود فراماسون‌ها و شکل‌گیری تشکیلات ماسونی و اساساً همراه با این تشکیلات شکل گرفت و رشد کرد. بی‌جهت نیست که اگرچه همیشه سرکردگان و سمبل‌های این جریان سنگ ایران و ایران‌پرستی را به سینه زده‌اند، اما ردپای آنها تقریباً در تمامی وقایع خیانت‌بار تاریخ ۲۰۰ سال اخیر این سرزمین پیداست:

از بر باد دادن خاک ایران در پیمان‌های گلستان و ترکمانچای گرفته تا فروش کشور در قراردادهایی همچون رویتر و رژی تا به انحراف کشاندن نهضت عدالتخانه در دیگ پلوی سفارت انگلیس تحت عنوان مشروطیت تا حمایت از دیکتاتوری رضاخان و روی کارآوردن نخستین و تنها رژیم دست‌نشانده تاریخ این مملکت یعنی پهلوی تا حضور بی‌واسطه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و همکاری و همراهی با کودتاچیان و سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس تا سکوت در مقابل فجایعی همچون ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تصویب لایحه کاپیتولاسیون و اختناق و سرکوب ۲۵ساله شاه تا انفعال در مقابل نهضت اسلامی مردم در سال‌های ۵۶ و ۵۷ و معاونت در پروژه امپریالیستی رهبرتراشی در مقابل رهبری بلامنازعه حضرت امام خمینی(رحمه‌الله‌علیه)، تا قرارگرفتن در جبهه هر فرد یا نیرویی که بر ضد انقلاب اسلامی موضع گرفت. از تروریست‌های به اصطلاح خلقی کردستان و ترکمن صحرا (که ارتباطات مکشوفی با سرویس‌های اطلاعاتی صهیونیستی از جمله موساد داشتند) گرفته تا انتشار خیل نشریات و مطبوعاتی که تیتر تقابل با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب مردم مسلمان را بر پیشانی خود داشت.

شیفتگان امروز اسرائیل

پس جای شگفتی نیست که امروز همان جماعت، در مقابل تجاوز آمریکا و اعوان و انصارش به ایران و به شهادت رساندن رهبر انقلاب و سرداران و دانشمندان و دانش‌آموزان و مردم کوچه و حتی نوزاد دو ماهه و... اگر حمایت ننمودند، سکوت مرگبار گورستانی پیشه کردند و لال‌مونی گرفتند! تا اینکه حالا وقتی رزمندگان اسلام؛ برای مقابله با نقض تفاهم‌نامه از سوی دشمن آمریکایی و نقض حاکمیت قانونی ایران بر تنگه هرمز، عملیاتی را انجام می‌دهند، ناگهان زبان باز کرده و دم از صلح و آرامش زده و از قربانی‌شدن بی‌گناهان ابراز ناراحتی می‌نمایند!!

بیهوده نیست تمامی تظاهرات دوستان خارج کشور همین جماعت، در زیر پرچم اسرائیل و آمریکا برگزار می‌شود و بی‌جهت نیست برای انجام مقاصد شوم رژیم صهیونیستی از هیچ عمل رذیلانه و خباثت‌آمیز و جنایتکارانه‌ای ابا نداشته و ندارند تا جایی که صدا و فریاد برخی فراریان و ضد انقلابیون خارج‌نشین را هم درآورده‌اند که این چه بی‌آبرویی و بی‌شرافتی است که به‌اصطلاح شبه‌روشنفکران خارج و داخل ایران دچارش شده‌اند، آنچه که در هیچ کجای تاریخ این سرزمین حتی نزد خودفروش‌ترین و سرسپرده‌ترین نیروهای سیاسی این تاریخ سراغ نمی‌توان گرفت.

گزارش روز صد و سی و هشتم جنگ

پیش‌بینی صعود قیمت نفت به بالاتر از ۱۱۰ دلار

«اگرچه ترامپ تصور می‌کند با تحت فشار قرار دادن ایران و ازسرگیری حملات قادر خواهد بود تنگه هرمز را بازگشایی کند، اما حقیقت این است که او هیچ گزینه مناسبی ندارد».

این ارزیابی را نشریه اکونومیست در روز صد و سی و هشتم جنگ در حالی منتشر کرد که نشریه ایندیپندنت به طعنه نوشت: ترامپ پس از ۳۲ بار اعلام پیروزی علیه ایران، بار دیگر وارد جنگ شده اما امکان ندارد در این جنگ پیروز شود.

تحلیلگران ارشد با اذعان به اینکه آمریکا در بازگشایی تنگه هرمز ناتوان مانده و چندین بار متحمل شکست سنگین شده، هشدار می‌دهند که خطای راهبردی ترامپ در از سرگیری جنگ می‌تواند مصیبت انسداد تنگه باب‌المندب را هم بر سر او آوار کند و او دیگر هیچ راه فرار آبرومندانه‌ای نداشته باشد.

پیش‌بینی صعود قیمت نفت به بالاتر از ۱۱۰ دلار

دیروز سنتکام با اعلام از سرگیری محاصره دریایی افزود: آمریکا دور جدیدی از حملات را علیه ایران آغاز کرد تا به تضعیف توانایی‌های ایران که برای حمله به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز استفاده می‌شود، ادامه دهند. همزمان با انتشار این خبر و مقابله به مثل قاطع ایران، نشریه فایننشال‌تایمز نوشت: با بسته شدن دوباره تنگه هرمز، بازار در آستانه کمبود شدید عرضه نفت قرار گرفته است. ذخایر نفتی که در روزهای ابتدائی جنگ ایران به‌عنوان ضربه‌گیر بازار عمل می‌کردند، رو به پایان هستند و با بسته شدن دوباره این آبراه راهبردی، نگرانی‌ها درباره کمبود عرضه افزایش یافته است. خبرگزاری رویترز هم گزارش داد قیمت نفت برای سومین جلسه متوالی افزایش یافت، زیرا درگیری تشدید و نگرانی‌ها در مورد امنیت عرضه در خلیج‌فارس تجدید شده است. در این شرایط قیمت نفت خام برنت می‌تواند از ۱۱۰ دلار در هر بشکه فراتر رود.

انسداد باب‌المندب شرایط را سخت‌تر هم می‌کند

رویترز می‌افزاید: پس از هرمز، ایران به گذرگاه دریای سرخ به‌عنوان اهرم فشار جدید روی می‌آورد. در سایه تنش‌های اخیر، مقامات یمنی اعلام کرده‌اند در صورت تداوم شرایط فعلی، گذرگاه باب المندب می‌تواند در دستور کار ائتلاف‌های عملیاتی قرار گیرد. دریای سرخ به دلیل اختلال در تنگه هرمز، به «خروجی جایگزین و حیاتی» برای نفت خلیج فارس تبدیل شده است. پس از حملات به هرمز، عربستان سعودی بیش از ۷۰ درصد صادرات روزانه خود را به بندر ینبع در دریای سرخ منتقل کرده است. عبور روزانه ۷.۴ میلیون بشکه نفت از باب‌المندب (معادل ۷ درصد عرضه جهانی)، اکنون شریان حیاتی بازار انرژی برای مهار قیمت‌هاست. برخلاف سال ۲۰۲۳ که صادرات آزاد بود، اکنون محموله‌ها مستقیماً از این مسیر بارگیری می‌شوند؛ لذا تهدید حوثی‌ها علیه این گذرگاه، عملاً به معنای هدف قرار دادن تنها مسیر باقی‌مانده و حیاتی صادرات نفت منطقه است.

یاوه‌های ترامپ؛ تنگه باز است(!)

مؤسسه کپلر که تردد کشتی‌ها را رصد می‌کند، دیروز گزارش داد: عبور کشتی‌ها از کریدور جنوبی تنگه هرمز به صفر رسید؛ در حالی که ترامپ همچنان مدعی باز بودن تنگه است. جدیدترین پایش ماهواره‌ای کپلر نشان می‌دهد که روز گذشته ۲۱ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند که از این تعداد هیچ کشتی از مسیر تحت حمایت آمریکا موسوم به کریدور عمانی عبور نکرده است.

ترامپ پس از پایان دادن به تفاهم‌نامه و بازگشت به جنگ ادعا کرده بود که تنگه هرمز به روی کشتی‌ها باز است.

او همچنین دیروز در ادامه یاوه‌گویی‌های قبلی اظهار کرد: «من به ایران گفتم بهتر است توافق کنید؛ چون اگر این کار را نکنید، دیگر چیزی برایتان باقی نمی‌ماند. ما امشب ضربات بسیار سختی به آن‌ها وارد خواهیم کرد، فردا شب هم همین‌طور و شب بعد هم همین کار را می‌کنیم. اما هفته آینده شرایط برای آن‌ها بسیار سخت‌تر می‌شود؛ چون آن زمان نوبت نیروگاه‌ها و پل‌ها خواهد بود. ما تمام نیروگاه‌ها و پل‌های آن‌ها را از بین خواهیم برد.

همان‌طور که می‌دانید، ما جزیره خارک را دو بار و حتی سه بار هدف قرار داده‌ایم. گفتم همه چیز را هدف بگیرید، اما تأسیسات نفتی را دست‌نخورده بگذارید، چون نمی‌خواهم این موضوع روی اقتصاد جهانی تاثیر بگذارد. اگر بتوانیم آن‌ها را به اندازه کافی تضعیف کنیم و به عقب برانیم، ممکن است این منطقه را تصرف کنیم. واقعاً فقط دو روز پیش ما یک توافق داشتیم، اما آن‌ها در آخرین لحظه آن را نقض کردند».

روایت درماندگی ترامپ از مرشایمر تا نیویورک تایمز

اما عموم تحلیلگران، واقعیت میدان را ابطال‌کننده دعاوی ترامپ می‌دانند. جان مرشایمر استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو در این زمینه تأکید کرد: اگر از نردبان تشدید تنش بالاتر برویم، به نظر من این ایران است که دست بالا را خواهد داشت، نه ما. این فقط یکی از دلایلی بود که باعث شد پس از چهل روز، جنگ هوائی را متوقف کنیم. اگر جنگ هوائی و محاصره دریایی را در کنار هم قرار دهید، خواهید دید هر دو بر یک فرض مشترک استوار بودند؛ اینکه می‌توان ایران را آن‌قدر تحت فشار قرار داد تا دست‌هایش را بالا ببرد و تسلیم شود. باید برای حامیان بازگشت به جنگ کاملاً روشن شده باشد که ایران توان تحمل حجم عظیمی از فشار را دارد.

روزنامه نیویورک تایمز نیز با بیان اینکه «ترامپ در جنگ ایران، با حریفی روبه‌رو شده که به‌راحتی نمی‌تواند بر او مسلط شود»، نوشت: استراتژی دونالد ترامپ در قبال ایران با چالش‌های جدی مواجه شده است. درحالی که تفاهم‌نامه آتش‌بس اخیر به نتیجه نرسیده، طرح اولیه واشنگتن برای اخذ عوارض حفاظتی از کشتی‌های عبوری در تنگه هرمز نیز کنار گذاشته شد. ترامپ با کشوری روبه‌رو شده که حاضر نیست طبق قواعد او بازی کند؛ یعنی خم شدن، بوسیدن انگشتر و گفتن اینکه او چقدر فوق‌العاده است! پس از ۲۰ هفته تنش، دولت آمریکا همچنان فاقد یک استراتژی نظامی یا دیپلماتیک روشن برای مدیریت این بحران است.

درمانده بین عقب‌نشینی تحقیرآمیز و جنگ بی‌دستاورد

در حالی که ریک سانچز، خبرنگار آمریکایی می‌گوید «ترکیب تنفر فزاینده افکار عمومی آمریکا از جنگ دولت ترامپ علیه ایران و کاهش حمایت از اسرائیل، در نهایت منجر به سقوط رئیس‌جمهور آمریکا و حزبش خواهد شد»، سرهنگ داگلاس مک‌گریگور، مشاور سابق در وزارت جنگ آمریکا اذعان کرد: ژنرال فرانک مک‌کنزی گفته است «ما واقعاً باید جزیره خارک را تصرف کنیم»، من نمی‌دانم مردم چطور به چنین ایده‌های احمقانه‌ای می‌رسند. این نشان‌دهنده جهل کامل نسبت به این موضوع است که جنگ چقدر عمیقاً تغییر کرده است توانمندی‌هایی که به ایرانی‌ها اجازه می‌دهد هر چیزی را که به ورودی خلیج‌فارس نزدیک می‌شود، غرق کنند. ترامپ، بین «عقب‌نشینی تحقیرآمیز» و «جنگی پرهزینه با ایران» گرفتار شده است.

تسلط بلامنازع ایران بر تنگه هرمز

همچنین پیرس مورگان مجری انگلیسی، خطاب به نفتالی بنت نخست‌وزیر سابق اسرائیل گفت: ایران همچنان بر تنگه هرمز تسلط دارد؛ هیچ نشانه‌ای از کنترل آن توسط آمریکا یا اسرائیل نمی‌بینند! هر زمان بخواهد می‌تواند آن را ببندد و بازار جهانی انرژی را با آشفتگی شدید روبه‌رو کند. همچنین با شلیک موشک‌ها می‌تواند اقتصاد کشورهای همسایه را به‌شدت مختل کند. به یاد می‌آورم که ترامپ در آغاز این جنگ گفت این بحران ظرف دو تا سه هفته پایان می‌یابد؛ بعد گفت پنج تا شش هفته. حالا چهار یا پنج ماه گذشته و من هیچ نشانه‌ای از پایان آن نمی‌بینم.

روزنامه عبری هاآرتص هم معتقد است: ترامپ گفته بود که تنگه هرمز را باز خواهد کرد اما مشخص شد این ایران است که بر بازی مسلط است. ترامپ مدام با انتشار پیام‌هایی ادعا می‌کند که در حال تغییر دادن قواعد بازی در تنگه هرمز است اما در میدان این ایران است که شروط خود را تحمیل می‌کند.

در این‌باره، فواز جرجیس، استاد روابط بین‌الملل و مطالعات غرب آسیا تأکید کرد: کنترل تنگه هرمز برای آمریکا، مأموریتی تقریباً غیرممکن است، ایران فقط کافی است یک پهپاد یا یک موشک به سمت یک کشتی شلیک کند. همین کار برای از بین بردن احساس امنیت در این آبراه کافی است وقتی چنین تهدیدی وجود داشته باشد، شرکت‌های بیمه حاضر نخواهند شد کشتی‌ها را برای عبور از تنگه بیمه کنند.

سیاست مهار ایران افسانه است

بدر بوسعیدی، وزیر خارجه عمان، در یادداشتی در روزنامه فرانسوی لوموند نوشت: عمان قصد ندارد روابط تاریخی خود با آمریکا را کنار بگذارد، اما بحران اخیر نشان داد که نقش قدرت‌های خارجی در منطقه باید مورد بازنگری قرار گیرد. حضور خارجی زمانی می‌تواند مفید باشد که به ثبات منطقه کمک کند، نه اینکه به رقابت‌های امنیتی و تشدید تنش‌ها دامن بزند. حتی در شرایطی که جنگ هنوز به‌طور کامل پایان نیافته و احتمال ازسرگیری درگیری‌ها وجود دارد، باید از این بحران درس گرفت و به جای تمرکز بر اشتباهات گذشته، به دنبال ایجاد نظم جدیدی در منطقه بود. سیاست مهار ایران که از سال ۱۹۷۹ میلادی به عنوان پایه امنیت خلیج‌فارس شناخته شده، بر این فرض استوار بود که ایران یک تهدید وجودی برای کشورهای عربی خلیج‌فارس و منافع غرب است، اما جنگ اخیر نشان داد این فرضیه اشتباه بوده است.

تایم: جنگ بس است!

مجله تایم در یادداشتی با عنوان «بس است دیگر»، انتقادها از ترامپ به خاطر ازسرگیری جنگ با ایران را بازتاب داد: سناتور آدام شیف خواستار اعمال مجدد اختیارات جنگ توسط کنگره شد. ترزا لگر فرناندز هشدار داد که ترامپ نمی‌تواند جنگی را روی کاغذ پایان دهد تا از قانون فرار کند و سپس هر وقت خواست، دوباره شروع کند. سناتور چاک شومر رویکرد ترامپ را تکراری خواند و آن را نه یک راهبرد، بلکه فاجعه توصیف کرد. وی به افزایش دوباره قیمت بنزین، افزایش تلفات و هزینه‌های جنگ به عنوان نشانه‌های شکست این رویکرد اشاره کرد. سناتور کریس مورفی هشدار داد که بی‌کفایتی ترامپ، آمریکا را به بن‌بست کشانده است.

اگر گره باب‌المندب به کاهش ذخایر نفت اضافه شود...

محاصره جدید ایران توسط ترامپ؛ چه پیامدهای احتمالی برای قیمت نفت دارد؟ گزارش روزنامه نیویورک‌تایمز در این‌باره می‌گوید: اقدام دولت دولت ترامپ بازار انرژی را با چالش‌های تازه‌ای مواجه کرده است. برخلاف آوریل گذشته، اکنون ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۸۳ رسیده است. با بازگشت تنش‌ها و معامله نفت برنت در حدود ۸۷ دلار، تحلیلگران هشدار می‌دهند ذخایر اطمینان‌بخش بازار مصرف شده‌اند.

همچنین وبسایت شبکه الجزیره با هشدار درباره بسته شدن همزمان تنگه هرمز و باب‌المندب نوشت: تنگه باب‌المندب یکی از مهم‌ترین آبراهه‌های اقتصادی و حیاتی در جهان محسوب می‌شود که تأثیر آن در منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، کمتر از قدرت نظامی نیست. بسته شدن همزمان تنگه‌های هرمز و باب‌المندب، فاجعه عمیقی برای اقتصاد جهانی به شمار می‌رود. چرا که پس از اختلال در ناوبری تنگه هرمز، عربستان از خط لوله «شرق-غرب» برای انتقال نفت به بندر ینبع در سواحل دریای سرخ استفاده کرد تا بخشی از نفت خود را به بازارهای بین‌المللی، به‌ویژه بازارهای آسیایی، برساند. هرگونه اختلال در این تنگه، به ویژه اگر با توقف تردد در تنگه هرمز همزمان شود، می‌تواند منجر به یک بحران حمل‌ونقل جهانی گردد که زمان سفر بین آسیا و اروپا را از ۳۱ روز به ۴۱ روز افزایش داده و هزینه سفر برای یک کشتی کانتینری متوسط را بدون احتساب هزینه‌های اضافی از یک میلیون دلار به حدود ۱.۷ میلیون دلار برساند.

دزد دریایی فقط پای چوبی و چشم‌بند کم دارد!

نشریه انگلیسی ایندیپندنت دیروز ترامپ را دزد دریایی خواند و نوشت: دونالد ترامپ با ادامه جنگ علیه ایران، برای خود و بقیه جهان دامی ساخته است که‌گریزی از آن نیست. او که ۳۲ بار پیروزی علیه ایران را اعلام کرده، اکنون عملاً بار دیگر به جنگ رفته است. هر بار ترامپ اعلام می‌کند در جنگ «پیروز شده» است، ایرانی‌ها از اهرم‌های خود برای کسب امتیازات بیشتر استفاده می‌کنند. او نمی‌تواند پیروز شود و تنگه هرمز همچنان در کنترل ایران است،

این روزنامه افزود: ترامپ فقط یک طوطی روی شانه، یک پای چوبی و یک چشم‌بند کم دارد تا کاملاً به پادشاه دزدان دریایی در خلیج‌فارس تبدیل شود.

ترامپ هیچ گزینه مناسبی ندارد

از طرف دیگر، نشریه اکونومیست با تأکید بر این که ترامپ هیچ گزینه مناسبی برای بازگشایی تنگه هرمز ندارد، خاطر نشان کرد: اگرچه ترامپ تصور می‌کند که با تحت فشار قرار دادن ایران و ازسرگیری حملات قادر خواهد بود تنگه هرمز را بازگشایی کند، اما حقیقت این است که او هیچ گزینه مناسبی برای این کار ندارد. حملات نظامی آمریکا در پنج شب متوالی نه تنها تغییری در رفتار ایران ایجاد نکرده، بلکه این کشور با استفاده از موشک‌ها و پهپادهای دوربرد خود، توانایی ادامه کنترل بر تنگه هرمز را حفظ کرده است. تفاهم‌نامه صلحی که دونالد ترامپ ماه گذشته با افتخار از آن یاد می‌کرد، اکنون نه‌تنها در آستانه فروپاشی قرار گرفته، بلکه خود به کاتالیزور و عامل اصلی آغاز حملات تلافی‌جویانه اخیر تبدیل شده است. ابهام موجود در بند پنجم این توافق‌نامه، به یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری تنش‌های تازه تبدیل شده؛ بندی که واشنگتن آن را به معنای الزام ایران به پاک‌سازی مین‌ها تفسیر می‌کند، اما تهران آن را معادل حق انحصاری خود برای مدیریت ترافیک دریایی در تنگه هرمز می‌داند. انجام بیش از ۳۰۰ حمله محدود در طول پنج شب، نتوانسته رفتار نظامی ایران را تغییر دهد؛ کشوری که همچنان به موشک‌ها و پهپادهایی با برد بیش از یک‌هزار کیلومتر و مستقر در عمق خاک خود مجهز است.

قمار طرف درمانده در چالشی که راه‌حل نظامی ندارد

«اسکات ریتر» افسر اطلاعاتی سابق پنتاگون، می‌گوید ترامپ از سر درماندگی قمار نظامی می‌کند اما راه‌حل نظامی وجود ندارد: اگر هر دو تنگه، یعنی هرمز و باب‌المندب، همزمان بسته شوند، کاهش عرضه جهانی انرژی بسیار شدید و ناگهانی خواهد بود و دونالد ترامپ خود را دقیقاً در همان موقعیتی خواهد یافت که زمانی گفت: «چاره‌ای جز امضای توافق نداشتم.»

بنابراین، این اقدام از سوی دونالد ترامپ یک قمار بزرگ است. چرا؟ چون او از سر استیصال عمل می‌کند. هیچ راه‌حل نظامی وجود ندارد. اساساً راه‌حل نظامی برای این بحران متصور نیست.

رئیس مجلس خبرگان:

عزاداری برای امام شهید باید به مجازات جنایتکاران منجر شود

رئیس مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: همه عاملان و آمران ترور رهبر شهید باید شناسایی، تعقیب و مجازات شوند و دستگاه‌های مسئول با قاطعیت این پرونده را تا رسیدن به نتیجه نهائی پیگیری کنند.

آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس در حاشیه مراسم بزرگداشت امام شهید در مصلای امام خمینی(ره) تهران، با بیان اینکه عزاداری واقعی در مکتب اهل‌بیت(ع) فراتر از اشک و تسلیت است، بر تعقیب قاتلان و خون‌خواهی امام شهید و شهدای بی‌گناه جنگ تحمیلی اخیر تاکید کرد.

وی بیان داشت: در روایاتِ سفارش شده است که مؤمنان در ایام عزای سیدالشهدا(ع)، علاوه‌بر این بر گفتنِ «أَعْظَمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» ادامه می‌دهند که «وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ [عَلَيْهِ] السَّلَامُ». یعنی خداوند ما و شما را از خون‌خواهان امام حسین(ع) در رکاب امام مهدی(عج) قرار دهد.

رئیس‌مجلس خبرگان رهبری افزود: این فراز از روایت نشان می‌دهد که عزاداری در فرهنگ اهل‌بیت(ع) تنها به سوگواری و اظهارنظر محدود نمی‌شود، بلکه با پویایی، حرکت، مسئولیت‌پذیری و استمرار در مسیر آرمان‌های الهی همراه است.

آیت‌الله موحدی کرمانی گفت: آنچه در شرایط فعلی از شرایط ویژه‌ای برخوردار است و مقام معظم رهبری نیز بر آن تاکید داشتند، تعقیب و مجازات قاتلان و خون‌خواهی امام شهید و سایر شهدای بی‌گناه جنگ تحمیلی رمضان است.

رئیس‌مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: همه عاملان و آمران ترور رهبر شهید باید شناسایی، تعقیب و مجازات شوند و دستگاه‌های مسئول با قاطعیت این پرونده را تا رسیدن به نتیجه نهائی پیگیری کنند.

وی بیان داشت: اشک بدون عمل، ارزشی نخواهد داشت. همان‌گونه که عمر بن سعد پس از فریاد حضرت زینب(س)گریست اما جنایت خود را ادامه داد و یا اینکه اهل «تپه ندبه» تنها نظاره‌گر بودند و هیچ اقدامی نکردند. از این رو، عزاداری واقعی باید به حرکت، اقدام، مبارزه با جنایتکاران و ادامه راه شهید بینجامد.

۱۵ صفر آخرین مهلت انتقال اقلام مواکب ایرانی به عراق

قائم‌مقام ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات با اعلام اینکه ۱۵ ماه صفر (۸ مرداد) آخرین مهلت انتقال اقلام و تجهیزات مواکب ایرانی به عراق است، گفت: تمامی مواکبی که مجوز استقرار در عراق را دریافت کرده‌اند باید تا این تاریخ، فرآیند ثبت و انتقال اقلام خود را از مرزهای تعیین‌شده نهائی کنند تا خدمات‌رسانی به زائران اربعین بدون وقفه انجام شود.

به گزارش خبرنگار کیهان و به نقل از روابط عمومی ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات، مجید نامجو با اشاره به اینکه مراسم اربعین، بزرگ‌ترین اجتماع مردمی و دینی جهان است، اظهار کرد: آنچه این رویداد عظیم را هر سال باشکوه‌تر می‌کند، مشارکت داوطلبانه میلیون‌ها انسان نیک‌اندیشی است که با نذر، کمک‌های مردمی و خدمت بی‌منت، زمینه میزبانی از زائران حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را فراهم می‌کنند.

وی افزود: مردم دوستدار ولایت در میهن عزیزمان با برپایی حدود سه هزار موکب، نزدیک به پنج درصد از خدمات‌رسانی به زائران اربعین را برعهده دارند و در کنار آن، بیش از ۷۰ هزار موکب عراقی نیز میزبان اصلی این اجتماع عظیم هستند؛ الگویی کم‌نظیر از همبستگی و مشارکت مردمی که هر سال گسترده‌تر از گذشته شکل می‌گیرد.

قائم‌مقام ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات، مواکب اربعین را موفق‌ترین نمونه مشارکت مردمی در خدمت‌رسانی اجتماعی و دینی دانست و گفت: بخش عمده امکانات، تجهیزات و خدمات این م